

زمینه و زمانه «مسئله حجاب»



محسن کدیور

۲۱ خرداد ۱۴۰۲

متن کامل مصاحبه با سام فرزانه، برنامه شیرازه: کتابخانه قرن، بی بی سی فارسی

در مؤخره مسئله حجاب، شیرازه - کتابخانه قرن (۳۹) (۱۹ خرداد ۱۴۰۲) وعده داده بودم: «با توجه به اینکه نزدیک دو سوم مصاحبه اینجانب درباره کتاب «مسئله حجاب» مطهری به دلیل کمبود وقت و غیر آن در برنامه امکان پخش نیافته است، متن کتبی کامل مصاحبه خود با شیرازه را متعاقبا برای استفاده علاقه مندان منتشر خواهم کرد. تاریخ ضبط مصاحبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱، (۱۵ اکتبر ۲۰۲۲) و تاریخ پخش آن ۱۷ خرداد ۱۴۰۲ (۷ ژوئن ۲۰۲۳) بود.» قبل از مصاحبه نه سوال در اختیار من قرار گرفت که به آنها کتبا پاسخ دادم و در زمان ضبط مصاحبه علاوه بر خواندن آنچه یادداشت کرده بودم توضیحاتی نیز اضافه کردم و به پرسشهای دیگر مجری برنامه هم پاسخ دادم. یکی دو روز بعد از اتمام مصاحبه به درخواست مجری متن کتبی پاسخها هم در اختیار شیرازه قرار گرفت. انتشار متن کامل مصاحبه با اطلاع شیرازه و استقبال ایشان صورت می گیرد. اکنون با افزودن این مقدمه و ویرایشی مختصر متن کامل مصاحبه منتشر می شود.

مقدمه

به یاد ندارم دقیقا برای نخستین بار کتاب «مسئله حجاب» مرتضی مطهری را کی خواندم. اما طرح جلد چاپ نخست آنرا که در کتابخانه پدرم بود دقیقا به خاطر دارم. احتمالا حوالی سالهای ۱۳۵۳-۱۳۵۲ یعنی چهارده پانزده سالگی کتاب را خواندم. چاپ اول کلیه کتابهای مطهری در کتابخانه پدرم بود. تنها باری که شنونده حضوری سخنرانی وی بودم حوالی سال ۱۳۵۳ بود که ایشان برای ایراد سخنرانی «تکامل اجتماعی انسان» در دانشگاه

پهلوی به شیراز آمده بود و در دانشکده ادبیات (حافظیه) در تالار بزرگی که امروز بنام جلال آل احمد نامیده می شود سخنرانی کرد. من در آن وقت دانش آموز دبیرستان بودم و همراه پدرم در دو جلسه این سخنرانی شرکت کردم. تالار پر شده بود. تعداد دختران دانشجو اعم از با حجاب و بی حجاب چشمگیر بود. برخی از دختران بی حجاب حتی در ردیف اول نشسته بودند. سخنان منطقی مطهری در همه اقشار شنونده داشت.

برای آشنایی با میزان نفوذ کتاب «مسئله حجاب» در میان دختران دانش آموز (چه برسد به دختران دانشجو) به دو نمونه مستند اشاره می کنم. سال ۱۳۵۴ در دبیرستان دانشگاه پهلوی شیراز (معادل مدرسه تیزهوشان بعد از انقلاب) که مختلط بود، چند نفر از دختران دانش آموز متجدد محجبه شدند. از همسرم زهرا رودی شنیدم که او نیز قبل از انقلاب زمانی که دانش آموز دبیرستان دکتر هشترودی تهران بوده از جمله با خواندن کتاب مذکور محجبه شده است. او علاوه بر آن در همان دوران دانش آموزی با برخی همکلاسی‌هایش در جلسات یکی از شاگردان مطهری که جلد پنجم اصول فلسفه و روش رئالیسم آقای طباطبایی با پاورقی‌های مطهری را شرح می کرده شرکت می کرده است.

دوره شش جلدی «مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی» در سال ۱۳۵۷ (قبل از پیروزی انقلاب) اثری تعیین کننده بر من داشت. در رقابت دو جریان فکری اسلامی آن روز، من از علی شریعتی (که همه آثارش را در دبیرستان خوانده بودم) فاصله گرفتم و به مطهری و طباطبایی نزدیک شدم. در مقایسه اندیشه سیاسی شریعتی و مطهری، من مطهری را دموکراتیک تر یافتم: [مقایسه اندیشه سیاسی استاد مطهری و دکتر شریعتی](#) (اردیبهشت ۱۳۷۵ بعدا در کتاب «دغدغه های حکومت دینی»، ۱۳۷۹).

سخنرانی تلویزیونی او قبل از همه پرسى جمهوری اسلامی (۱۰ فروردین ۱۳۵۸) که بر انتخابی بودن رهبر و موقت بودن دوران زمامداری تاکید می کرد هنوز در گوشم زنگ می زند. (بعدا در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی») مطهری با اعدامهای اول انقلاب مخالف بود و نامه ای خطاب به مقام رهبری برای متوقف کردن اعدامها تنظیم می کند که به امضای جمعی از اعضای شورای انقلاب می رسد و منجر به دستورالعمل مورخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۷ آقای

خمینی در «توقف محاکمات دادگاههای انقلاب تا تصویب آئین نامه جدید» می شود (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۷۹). تفصیل آن را در این مقاله بلند آورده ام: [تیشه به ریشه دادگستری: تحلیل انتقادی منظر قضائی بنیانگذار، مطالعه موردی عملکرد بهمن ۱۳۵۷ تا آذر ۱۳۵۸](#) (۱۳ خرداد ۱۳۹۷)

شنیدن «ضرورت تدوین علوم انسانی اسلامی یا علوم انسانی از منظر اسلام» از زبان مطهری (کتابهای «پیرامون انقلاب اسلامی» و «پیرامون جمهوری اسلامی») مسیر زندگی را عوض کرد و مرا از دانشکده مهندسی به حوزه علمیه کشانید. هرچند بعد از حدود هشت سال تحصیل به این نتیجه رسیدم که علوم سنتی اسلامی و حوزه های علمیه ظرفیت تولید علوم انسانی ندارند، لذا از سال ۱۳۶۸ تحصیلات دانشگاهی را در کنار تحصیلات حوزوی در قم و تهران ادامه دادم. نظرم از اوایل دهه هفتاد این است: علوم انسانی و اجتماعی مثل علوم تجربی و علوم ریاضی، اسلامی و غیراسلامی ندارند. البته اخلاق اسلامی متناسب با شعب مختلف علوم انسانی و اجتماعی امری ممکن و مطلوب است. در مورد فلسفه این علوم هم می توان رویکردهای مختلف داشت.

مطهری فرزند زمانه خود بود. زمینه و زمانه کتاب «مسئله حجاب» فضای استبداد سکولار غربگراست و پیام آن «حجاب اختیاری» می باشد. این کتاب برای فضای استبداد دینی که خود را به «حجاب اجباری» سنجاق کرده است نوشته نشده است و به درد چنین فضایی هم نمی خورد. جمهوری اسلامی از مرتضی مطهری سوء استفاده کرده است. مطهری و آثارش را از منظر معوج جمهوری اسلامی نگریستن جفا به اوست. کتاب مسئله حجاب هیچ ربطی به اقدام ضداسلامی و خلاف شرع «حجاب اجباری» ندارد. من در این مصاحبه «مسئله حجاب» را در زمانه و زمینه خود بررسی کرده ام.

امروز کتاب «مسئله حجاب» مطهری کتابی در موزه تاریخ تفکر اسلامی است، مثل عکس دوران کودکی. آن را کوشش مبارکی در زمینه پوشش اسلامی در گذشته می دانم. من قدردان خدمات مطهری در زمینه پوشش اسلامی زنان هستم. مطهری «روی زن» را زینت ظاهر دانست و از فعالیت اجتماعی بانوان دفاع کرد. قابل و من «موی زن» را هم به زینت ظاهر افزودیم. بدون «مسئله حجاب» مطهری تحقیقات بعدی میسر نبود. من در

مطهری متوقف نشدم. فتوای عدم وجوب پوشش موی زن ادامه فتوای عدم وجوب روی زن است. مخاطب این مباحث کسانی هستند که دین و شریعت را داور زندگی خود می دانند. اکنون به متن کامل مصاحبه توجه کنید. پرسشها با قلم پرننگ درج شده است.

متن مصاحبه

۱. کتاب «مسئله حجاب» چه تاثیری بر جامعه ایران داشته است؟

کتاب مسئله حجاب مرتضی مطهری سهم قابل توجهی در دو امر داشته است: یکی «حجاب اختیاری» دختران و زنان تحصیل کرده یک دهه قبل از پیروزی انقلاب ۵۷. به نوشته خود نویسنده در مقدمه ویرایش سوم کتاب: «تا آنجا که اطلاع دارد نشر این کتاب تاثیر فراوانی در اصلاح عقاید و افکار این نسل داشته است، حتی بعضی بانوان به اصطلاح متجدد عملا در وضع خود تجدید نظر کرده اند.» دیگری حضور اجتماعی زنان متدین با پوشش اسلامی با رعایت کامل ضوابط دینی، به گفته نویسنده: «باید این خیال را از سر زنان امروز خارج کنیم که می گویند حجاب در عصر حاضر غیرعملی است. ثابت کنیم که حجاب اسلامی کاملا منطقی و عملی است. ثانياً کوشش کنیم که در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی، و بهداشتی، واحدهای اختصاصی برای زنان بوجود آوریم، و با فعالیتهای مختلط و واحدهای مختلط که تقلید احمقانه ای از اروپاییان است مبارزه کنیم. تنها در این صورت است که زنان شخصیت واقعی خود را بازخواهند یافت.»

در حقیقت کتاب مطهری در نزدیک شدن زنان مسلمان به حقوق خود یک قدم بلند محسوب می شود. فعالیت اجتماعی با رعایت ضوابط دینی پوشش امری ممکن است. ارزش کتاب مطهری را در مقایسه با نظر منتقدان و مخالفان کتاب بهتر و دقیق تر می توان درک کرد. مخالفان و منتقدان سنتی کتاب مطهری حضور اجتماعی زن ولو با رعایت حجاب اسلامی را امری غیرممکن شمرده، این را تقلید از نظام اجتماعی غربی معرفی کرده و پوشش تمام بدن زن مطلقاً حتی صورت و دستها را به عنوان حجاب اسلامی معرفی می کردند، یعنی نقاب، برقع، عبا و

چادر شبیه آنچه در کشورهای خلیج فارس (خصوصاً عربستان سعودی) و افغانستان طالبان جاری است. در آن زمان تلقی غالب از حجاب اسلامی عورت دانستن تمام بدن زن و وجوب پوشش کل بدن حتی صورت و دستها بود. چیزی که خلاف طبع بشری و مخالف نظر بسیاری بانوان ایرانی بود. مطهری در کتاب خود راه میانه ای بین پرده نشینی و حذف کامل زن از فعالیتهای اجتماعی از یک سو و اختلاط زن و مرد و عدم رعایت هرگونه محدودیت دینی در پوشش زنان از سوی دیگر نشان داده و آن وجوب پوشش تمام بدن به استثنای صورت و دو دست و جواز فعالیت اجتماعی زنان با رعایت پوشش یادشده است.

به لحاظ عملی اگرچه در کتاب کلمه ای درباره کنار گذاشتن چادر و اکتفا به مانتو، شلوار و روسری ابراز نشده، بلکه اصلاً وارد چنین جزئیاتی نشده است، دختران و زنان متدین بعد از مطالعه کتاب به این نتیجه می رسند که چادر را کنار بگذارند و به مانتو، شلوار و روسری اکتفا کنند که گاهی از آن به حجاب به سبک مطهری یاد می شود، در حالی که او در این زمینه صریحاً چیزی نگفته است.

۲. آیا این گفته صحیح است که این کتاب وسیله‌ای برای توجیه حجاب اجباری در ایران بعد از

انقلاب شد؟

مطهری در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ یعنی دقیقاً در ماههای نخستین اعمال حجاب اجباری، توسط فرقان (یک گروه تروریستی مذهبی) به قتل رسید. در این کتاب کلمه ای در دفاع از «حجاب اجباری» نیامده است، اصلاً زمانه، زمانه اجبار نبوده چون ابزار اجبار در دست مؤمنان نبوده است.

مطهری در دیگر کتابهایش همواره از آزادی انتخاب در اصل دین و لزوم اجتناب از عنصر اجبار در اجرای احکام دینی دفاع کرده است. در کتاب «علل گرایش به مادیگری» یکی از انگیزه های در افتادن مردم با دین و مذهب را در غرب، در افتادن کلیسا با نیازهای طبیعی مردم می داند، بویژه که این نیاز در سطح عمومی باشد. با عبارات خود وی «از نظر روانشناسی مذهبی یکی از موجبات عقب گرد مذهبی این است که اولیاء مذهب، میان

مذهب و یک نیاز طبیعی تضاد برقرار کنند، مخصوصاً هنگامی که آن نیاز در سطح افکار عمومی ظاهر شود». (کتاب سیری در نهج البلاغه) مطهری در تبیین آیه «لا اکراه فی الدین» (بقره ۲۵۶) از پیامبر نقل می کند: «ما اسلام اجباری هرگز نمی خواهیم.» و ادامه می دهد: «دین را نمی شود به زور در قلبها و ذهنها وارد ساخت. این که قرآن می گوید در دین اجبار نیست، نمی خواهد بگوید، دین را می شود با اجبار تحمیل کرد ولی ... شما تحمیل نکنید... از این باب است که دین را با اجبار نمی شود تحمیل کرد. آن که با اجبار تحمیل بشود، دین نیست». (کتاب جهاد) من اطمینان دارم اگر مطهری ترور نمی شد و شاهد حوادث تلخ دوران جمهوری اسلامی بود، در صف اول منتقدان و مخالفان حجاب اجباری بلکه اصل این شیوه حکومت جا می گرفت.

از سوی دیگر می توان گفت چه بسا حاکمیت از این کتاب با ذهنیت بسته خود سوء استفاده کرده است و وجوب پوشش بدن زن به استثنای صورت و دستها را مجوزی برای اجبار حکومتی در این زمینه تلقی کرده است، امری که یقیناً مخالف نظر و مقصود نویسنده است. کتاب مسئله حجاب بهترین نماد «حجاب اختیاری» از سال ۴۷ به بعد است. واضح است که «تشویق به حجاب اختیاری» (کار مطهری در دهه ۴۰) امری متباین با «توجیه حجاب اجباری» (سیاست رسمی نظام پس از انقلاب) است.



۳. «مسئله حجاب» چه کتابی است؟ (موضوع آن، شیوه نوشته شدنش و اطلاعات کتاب‌شناسی

دیگرش)

برای آشنایی با کتاب لازم است بدانیم که مطهری در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ سی و سه مقاله با عنوان «زن در حقوق اسلامی» در هفته نامه «زن روز» از مجلات مؤسسه کیهان منتشر کرد. اینکه یک روحانی دانشگاهی در مجله ای مانند زن روز از قانون مدنی در حوزه زنان با زبانی قابل فهم عموم دفاع کند واقعه ای قابل توجه بود، و مقالات وی مورد استقبال قرار گرفت. این مقالات در سال ۱۳۵۳ در کتابی با عنوان «نظام حقوق زن در اسلام» منتشر شد. نویسنده داستان نوشتن این مقالات را در مقدمه کتاب شرح داده است. موضوعات آن کتاب عبارت بوده است از: خواستگاری، ازدواج موقت، زن و استقلال اجتماعی، اسلام و تجدد زندگی، مقام زن در قرآن، حیثیت و حقوق انسانی، مبانی طبیعی حقوق خانوادگی، تفاوت‌های زن و مرد، مهر و نفقه، ارث، طلاق، و تعدد زوجات. در دهه چهل بحث حقوق زن در اسلام در ایران مطرح بوده است.

مطهری مباحثی در مورد مسئله حجاب در قالب یک سلسله سخنرانی به دعوت انجمن اسلامی پزشکان در تهران ایراد کرد و سپس در سال ۱۳۴۷ شرکت سهامی انتشار و انجمن اسلامی پزشکان آنها را به صورت کتاب «مسئله حجاب» منتشر کردند. این کتاب دو بار در سالهای ۴۸ و ۴۹ ویرایش و مکرراً تجدید چاپ شده است. بر اساس چاپ پنجاه و دوم کتاب مورخ تیر ۱۳۷۹، «مسئله حجاب» ۲۵۰ صفحه دارد و شامل پنج بخش به این شرح است: (۱) تاریخچه حجاب، (۲) علت پیدا شدن حجاب، (۳) فلسفه پوشش در اسلام، (۴) ایرادها و اشکالها، (۵) حجاب اسلامی. بخش پنجم مفصل ترین بخش کتاب است و بیش از نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است.

با توجه به اینکه حکومت پهلوی مروج فرهنگ مدرن درباره زن بوده است در میان متدینان این فرهنگ به عنوان فرهنگ برهنگی و استفاده ایزاری از زن معرفی می شده است. نویسنده در مقدمه نوشته است: «هدف نویسنده و همچنین هدف گروه روشنفکر و متدین انجمن اسلامی پزشکان از طرح و بحث و نشر مسئله حجاب

این است که احساس شد گذشته از انحرافات عملی فراوانی که در زمینه حجاب به وجود آمده این مسئله و سایر مسائل مربوط به زن وسیله ای شده در دست یک عده افراد ناپاک و مزدور صفت که از این پایگاه علیه دین مقدس اسلام جار و جنجال تبلیغاتی راه بیندازند.... بدون شک پدیده برهنگی بیماری عصر ماست. دیر یا زود این پدیده به عنوان یک بیماری شناخته خواهد شد. فرضاً ما کورکورانه از غرب تقلید کنیم، خود پیشتازان غربی ماهیت این پدیده را اعلام خواهند کرد.»

پیام اصلی کتاب مسئله حجاب مطهری دو چیز است: اول پوشاندن صورت با نقاب و برقع و نیز پوشاندن کفین (دو دست از مچ تا سر انگشتان) واجب نیست. دوم زن مسلمان با رعایت پوشش مذکور و عدم اختلاط با مردان مجاز به شرکت در فعالیتهای اجتماعی است. مطهری منتقد جدی پرده نشینی، محبوس کردن زنان در خانه، و از مدافعان تحصیل و فعالیت اجتماعی بانوان مسلمان بوده است. زبان کتاب زبانی مورد فهم افراد تحصیل کرده در عین حال با رعایت موازین فقهی است به نحوی که هم تحصیل کرده های متجدد آن را درک می کنند هم متدینان سنتی نمی توانند منکر رعایت موازین قرآنی، روایی و فقهی آن شوند. در حقیقت مطهری با زبانی مدرن از پوشش اسلامی دفاع کرده است. کتاب یقیناً توسط مراجع تقلید مطالعه شده اما از سوی هیچکدام نه تنها مخالفتی نشده بلکه به گفته خود نویسنده در خفا تایید هم کرده اند.

کتاب در حقیقت زمینه را برای کنار گذاشت احتیاط و ابراز احکام شرعی بدون احتیاطهای مزاحم گشوده است. به زبان دقیق علمی «آنچه مخالف با محتوای این کتاب است سیره جاریه مسلمین در برخی نقاط است در عصرهای اخیر که بر خلاف سیره قطعیه سلف است. نوع دیگر از نوع مصلحت اندیشی است که کتمان، اصلح از اظهار است.» (کتاب پاسخ های استاد به نقد کتاب مسئله حجاب) توضیح اینکه عدم وجوب پوشش صورت و دستها فتوای بسیاری از فقهای بزرگ گذشته بوده است، اما در دوران معاصر (۱۵۰ سال اخیر) پوشش تمام بدن زن حتی صورت و دستها به عنوان احتیاط واجب بر کتب فقهی سیطره پیدا کرده است، و در عمل هم متدینان با عمل به این فتاوا سیره متشرعه ای ایجاد کرده اند که با سیره متقدم متصل به زمان پیامبر در تعارض است. به

علاوه نوعی مصلحت اندیشی بر محافل مذهبی سایه انداخته که هرچه زن کمتر دیده شود جامعه سالم تر است. مطهری شجاعانه با این دو امر جنگیده است. کتاب مسئله حجاب در دوران خود یک کتاب صف شکن و نواندیشانه بوده است.

۴. نویسندگان چه استدلالی ارائه می‌کند که بگوید داشتن حجاب در اسلام بی‌دلیل نیست و فلسفه‌ای

پشت آن است؟

چهار بخش اول کتاب در حقیقت بیان حکمت پوشش اسلامی به زبان امروزی است. نقد اصلی نویسنده در این بخشها به فرهنگ برهنگی زن و اختلاط زن و مرد در جوامع غربی است. به نظر وی پوشش اسلامی معتدل در حد تمام بدن منهای صورت و دستها و حضور اجتماعی منهای اختلاط راه حل مشکل است. با کلمات خود وی: «وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست... پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.»

«مسئله اصلی این است: آیا مرد باید در بهره‌کشی جنسی از زن جز از جهت زنا آزادی مطلق داشته باشد یا نه؟ اسلام طرفدار این فرضیه است: کامیابی جنسی محدود به محیط خانوادگی است. اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانواده و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد. اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد.» در هر حال ادله وی در این بخشها چهار دلیل است: (۱) آرامش روانی، (۲) استحکام پیوند خانوادگی، (۳) استواری اجتماع، (۴) ارزش و احترام زن. با عبارات خود وی: «حجاب در اسلام وظیفه‌ای است که بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و به تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود.» البته این دلایلها اعم از مدعاست و منافاتی با فتوای کشف موی زن ندارد.

نوع دوم ادله کتاب در بخش پنجم ادله دینی و فقهی بر جواز عوم پوشش وجه و کفین و نقد ادله مخالفان آن است. بیشترین بحث وی از آیات قرآن است، آیات مرتبط با پوشش در سوره نور و سوره احزاب. او در ضمن تفسیر این آیات خصوصا به زینت ظاهر و باطن، استثناهای آن، معنی جلیاب و خمار، و حریم عفاف پرداخته است. به نظر وی آیه ۳۱ سوره نور مهمترین آیه در بیان حد پوشش اسلامی است: وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ... ترجمه: به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را [از نگاه هوس‌آلود] فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود]، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان،

به تفسیر مطهری: پرهیز از چشم‌چرانی و نظربازی، لزوم پاکدامنی و پوشش عورت، لزوم پوشش زنانه با دو استثنا: پوشش ظاهر و محارم از نکات این آیه است. استثنای اول مقداری از زینت را که نمایان بودن آن نسبت به عموم افراد جایز است معین کرده است: روسری را روی سینه و گریبان خود قرار دهند. مقصود پوشیدن سر و گردن و گریبان است، نه صورت و دستها. استثنای دوم در مورد افرادی است که که آشکار نمودن مطلق زینت برای آنان جایز است: محارم. «مطلبی که از آیه استفاده می‌شود یک حقیقت جاودانی است: زن مسلمان باید آن‌چنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفات شناخته شود. اینکه پوشاندن غیر وجه و کفین بر زن واجب است جزء ضروریات و مسلمات است. نه از نظر قرآن و حدیث، نه از نظر فتاوی در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد. آنچه مورد بحث است پوشش چهره و دستها تا مچ است. چهره و دو دست (وجه و کفین): وجوب پوشش این دو یعنی پرده نشینی زن و ممنوعیت او از هر نوع کاری جز در خانه و محیطهای صددرصد اختصاصی زنان.»

به تصریح مطهری: «وجه و کفین مرز محبوسیت و عدم محبوسیت زن است و ایرادهایی که مخالفین پوشش می‌گیرند در صورتی است که حجاب وجه و کفین را لازم بدانیم وارد است. ولی اگر پوشیدن وجه و کفین را واجب

ندانیم در پوشش سایر قسمت‌های بدن هیچ گونه اشکال تراشی نمی توان کرد، بلکه اشکال بر طرف مخالف وارد است. ... استثنای وجه و کفین به منظور رفع حَرَج و امکان دادن به فعالیت زن است و به همین ملاک است که اسلام آن را واجب نشمرده است.»

به روایت مطهری: ادله موافق جواز کشف وجه و کفین چهار دلیل است: ۱. آیه پوشش (نور ۳۱) که برای بیان وظیفه پوشش و تعیین حدود آن است، پوشاندن وجه و کفین را لازم نشمرده است. ۲. در پرسش و پاسخهای دینی مسئله مو مطرح بوده، نه رو. یعنی جواز کشف وجه و کفین مسلم و مفروغ عنه فرض شده است. ۳. روایاتی که مستقیماً حکم وجه و کفین را چه از نظر پوشیدن و چه از نظر جنبه نگاه کردن بیان می کنند. ۴. روایات باب إحرام در حج پوشاندن چهره را بر زن حرام می کنند.

در مقابل ادله مخالفان جواز کشف وجه و کفین پنج دلیل است که مورد نقد مطهری قرار گرفته است: ۱. سیره مسلمین (متدینین)، ۲. ملاک یعنی فلسفه پوشش بقیه بدن ایجاب می کند که این دو عضو هم پوشیده شود. جواب وی: جواز به دلیل حرج و سلب امکان فعالیت عادی از زن است. ۳. روایات (جواب وی: مدلول آنها حرمت نظر است، نه وجوب پوشش)، ۴. خواستگاری، ۵. آیه جَلْبَاب: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (أحزاب ۵۹) (ترجمه: ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ خداوند همواره آمرزنده رحیم است.) به تصریح مطهری هیچ فقیهی به این آیه به عنوان یکی از ادله وجوب پوشش استناد نکرده است.

وی بار دیگر تاکید می کند: «نه حبس و نه اختلاط: آنچه اسلام می گوید نه محبوسیت زن است، نه اختلاط زن و مرد در مجامع.... در باب نظر بر وجه و کفین سه قول است: ممنوعیت، جواز نظر یک نوبت و ممنوعیت تکرار نظر، و جواز مطلقاً.» نظر مطهری قول سوم است: جایز بودن نظر مطلقاً. از نظر نمی توان دور داشت که تا اواخر قرن نوزدهم نگرشی مردسالارانه بر جوامع بشری حکمفرما بوده است. مسلمانان از جمله فقها و علمای مسلمان

هم از این نگاه مردسالارانه برکنار نیستند. تا آنجا که می توان گفت زبان علوم اسلامی (در سنی و شیعه) مردسالار است. به جای اینکه مردان را محدود کند که چشم چرانی نکنند، فشار را بر زنان وارد می کند که برای سالم تر شدن جامعه کمتر بیرون از خانه بیایند و تا آنجا که ممکن است همه بدنشان پوشیده باشد، هر چه بیشتر بهتر. این منطقی غیرمنصفانه است.

۵. چرا نویسندگان تلاش می کنند در این اثر حجاب را مختص اسلام عنوان نکنند و آن را رسمی در

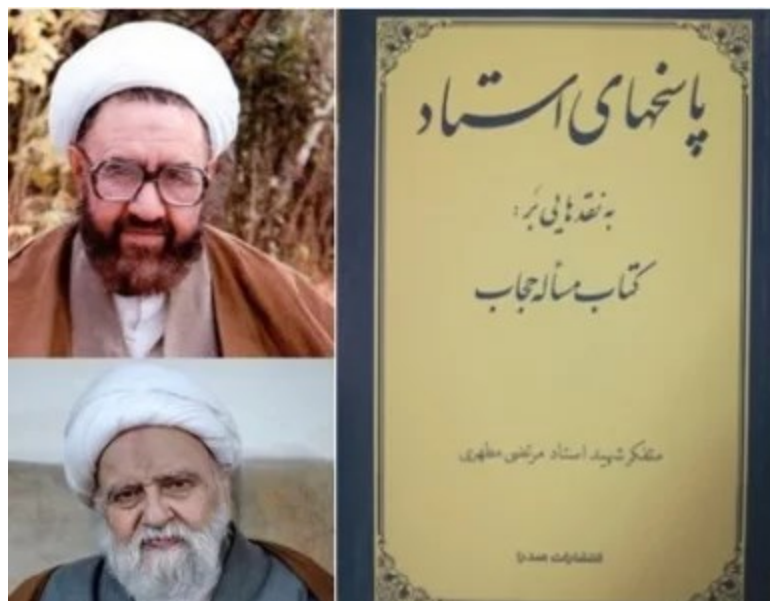
میان ایرانیان باستان بشمارد؟

او اذعان می کند که «اطلاع من از جنبه تاریخی کامل نیست. قدر مسلم این است که قبل از اسلام در میان بعضی ملل حجاب وجود داشته است. حجاب در ایران باستان، قوم یهود و احیانا هند وجود داشته و در آئین یهود حجاب از آنچه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است. اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته و بوسیله اسلام پیدا شده است.» خلاصه به نظر وی «آنچه مسلم است این است که قبل از اسلام حجاب در جهان وجود داشته است و اسلام مبتکر آن نیست.» وی از ویل دورانت نقل می کند «در نقشههایی که از ایران باستان مانده است هیچ صورت زن دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد.» او مدارک متعددی از کتابهای «تاریخ تمدن» ویل دورانت، «سه سال در ایران» کنت دوگوبینو، «نگاهی به تاریخ جهان» جواهر لعل نهرو، و نیز «زنشویی و اخلاق» برتراند راسل نقل کرده است. مطابق تحقیق وی ادله تاریخی متعددی در این زمینه وجود دارد. «سیره مسلمین در قرون بعدی (نه اولیه) پس از تأثر از رسوم و عادات امپراطوری روم شرقی و رسوم ایرانی بوجود آمده است.» پوشش موی سر زنان از رسوم اشرافی امپراطوری های ایران باستان و روم شرقی بوده است. این نکته مهمی است.



۶. نویسنده این اثر کیست و چه کارهای مهمی انجام داده است؟

مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸) متفکر، متأله، فیلسوف و فقیه نوسنتی، شاخص ترین شاگرد آقای سید محمدحسین طباطبایی در فلسفه، یکی از شاگردان شاخص آقایان سیدحسین بروجردی و سیدروح الله خمینی در فقه و اصول، و هم بحث حسین علی منتظری نجف آبادی، در اوایل دهه سی به دلیل مشکلات اقتصادی از قم به تهران هجرت می کند و استاد برجسته دانشکده الهیات تهران می شود. وی یکی از شاخص ترین سخنرانان دینی محافل تحصیل کرده سه دهه قبل از انقلاب است. مهمترین کتابهای وی پاورقی بر «اصول فلسفه و روش رئالیسم» آقای طباطبایی، «عدل الهی»، و «شرح مبسوط منظومه سبزواری» است. مطهری در زمره نواندیش ترین متفکران حوزوی و یقیناً از جنسی متفاوت با جمهوری اسلامی پیاده شده در عمل بوده است. مطهری اگر می ماند یا سرنوشت جمهوری اسلامی متفاوت می شد، یا او در صف منتقدان و مخالفان این نظام به زندان می افتاد.



۷. چه انتقادهایی به نویسنده درباره این کتاب شده است؟

حداقل دو نقد درباره این کتاب منتشر شده است: یکی در سال ۱۳۴۹ در حاشیه ویرایش سوم کتاب به نویسنده داده شده و نویسنده هم همانجا به منتقد پاسخ داده است. در بهمن ۱۳۶۷ این کتاب در ۹۰ صفحه توسط انتشارات صدرا در تهران با این عنوان منتشر شده است: «پاسخهای استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب». منتقد شاگرد مطهری بوده اما نام وی در کتابچه نیامده است! بعد از انتشار کتابهایی با عنوان «تقریرات شرح المنظومه» استاد مطهری به عربی به قلم محمدتقی شریعتمداری در سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ از مقدمه حسین غفاری از شاگردان مطهری بر جلد اول این کتاب مشخص می شد که نامبرده (محمدتقی شریعتمداری) همان منتقد کتاب مسئله حجاب است که از اواخر دهه ۴۰ ضد فلسفه شده و با استادش نیز قطع ارتباط کرده است. محمد تقی شریعتمداری (۱۳۱۳-۱۴۰۰) بین سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در مدرسه مروی تهران نزد مطهری طبیعیات و الهیات منظومه سبزواری خوانده است. نقد وی در دفاع از پرده نشینی و مخالفت کامل با حضور اجتماعی زن و لزوم پوشش تمام بدن زن حتی صورت و دستهاست. با کلمات منتقد: «رعایت این فلسفه [فلسفه حجاب مطهری] وقتی امکان دارد که زن محصور در خانه باشد و الا هرچه پای زن به اجتماع بیشتر باز شود زمینه برای تمتعات عمومی و زنا فراهم تر می گردد.»

مطهری در پاسخ وی متذکر شده است: «مسئله حقوق و حدود زن در جامعه امروز از نظر اسلام علاوه بر جنبه عملی جنبه اعتقادی پیدا کرده است، یعنی باورهای بی اساس اجتماع عین متون اسلامی دانسته شده و دستوره‌های واقعی اسلامی هم فلسفه اش توضیح داده نشده است و در نتیجه مقررات اسلامی در مورد زن وسیله ای شده برای تبلیغ علیه اسلام و ما مرتب شاهد آن هستیم. این کتاب کاری جز بیان حقیقت اسلام نکرده است. پس ما این کتاب را برای یک معتقد و اهل تسلیم که به هر حال به فتوای یک مجتهد عمل می کند ننوشته ایم، ما آن را برای منکران و مردان و ضعیف الاعتقادها ننوشته ایم. فقها هم فتوایی بر خلاف محتوای این کتاب ندارند، هرچه هست احتیاطهایی از قبیل عدم الفتواست و ما ضرورتی نمی بینیم که در مورد عدم الفتواها سکوت کنیم.» (عبارتی بسیار مهم) تحقیقاتم در مورد آراء محمدتقی شریعتمداری در مقاله مستقلی منتشر خواهد شد، انشاءالله.

نقد دوم: مهدی شریعتی، «یادداشت‌هایی بر مسئله حجاب استاد شهید مطهری»، قم: تا ظهور، ۱۳۹۱، ۸۸ صفحه. ویرایش دوم این کتاب: مهدی شریعتی، «حل مسئله حجاب: نقدی بر دیدگاه‌های استاد شهید مطهری در مسئله حجاب همراه با متن تلخیص شده کتاب»، [قم]: دارالنشر، ۱۳۹۹، ۲۶۸ صفحه. مهدی شریعتی نیاسر ظاهرا متولد ۱۳۵۱، فرزند حسن شریعتی نیاسر (متولد ۱۳۱۲) نماینده دوره چهارم مجلس خبرگان از اصفهان، مصحح دو کتاب فقهی و کلامی است. این هم نقدی از موضع سنتی و مثل قبلی به اصطلاح ولایتی است. عباراتی از آن را شاهد می آورم: «زن به هرگونه که باشد از جاذبه جنسیتی خود بیرون نمی رود و آنچه این معنی را آشکارتر می سازد آیات سوره احزاب [خصوصا آیه ۵۳] خطاب به همسران پیامبر است زیرا تفاوت اصلی آنها با دیگر زنان در الگو بودن شخصیت آنها است و این بر اشتراک حکم دلالت می کند مادام که دلیلی بر خلاف در میان نباشد، به ویژه که دستور ماندن در بیت و وراء حجاب حکم الزامی برای آنها نبود و وجه ماندن هم عدم بروز است در جهت عدم تبرج. ... زن بودن آنها در صدور حکم مدخلیت دارد. بروز زن حتی با پوشش جاذبه او را به کلی از بین نمی برد مگر آنکه یک نیاز شخصی یا ضرورت اجتماعی ایجاب کند. ... زن به تمامی اعضای خود زینت است... نمی توان زینت را به دو گونه [ظاهر و باطن] تقسیم نمود! ... زینت صفتی برای زن و تمام اعضای اوست،

پوشش تمامی اعضا. فعالیت اجتماعی زن در منظر مردان در عین آن که با رعایت حدود شرعی جایز است اما پسندیده نمی باشد. ... در مجموع بروز زن امری ناپسند بلکه پرده نشینی به عنوان یک اصل برای وی مطلوب است. ... بیان عدم وجوب پوشش وجه و کفین زمینه بروز انواع آرایشها بر این دو موضع است، بلکه سبب عروض اطوار و حالات جاذبه ناک برای زن است، ولی با پوشش آن دو امکان وقوع این رفتارها بسیار کمتر است، و از اینها بالاتر سبب احساس بی نیازی نسبت به پوشش گشاده ای چون چادر است.»

با توجه به این دو نقد ارزش کتاب مسئله حجاب مطهری و موضع معتدل آن بیشتر درک می شود. منتقدان مسئله حجاب با حضور و بروز زن مشکل دارند. زن مطلوب ایشان زنی است که در پستوی خانه از انظار پنهان شده باشد.



نقد سوم نقدهای خود من است از منظری کاملا متفاوت. برای آشنایی با نقدهای وارد بر آراء مطهری درباره حقوق زن به این مقاله: «[بازخوانی حقوق زنان: عدالت استحقاقی به جای عدالت مساواتی](#)» (۱۳۹۰) مراجعه شود. مطهری از عدالت استحقاقی دفاع کرده و من از عدالت مساواتی. نقدهایم در مسئله حجاب هم ضمن مباحث [تاملی](#)

در مسئله حجاب (تابستان ۱۳۹۱) قابل مطالعه است. همه ادله من بر عدم وجوب پوشش مو و سر و گردن زن در حقیقت نقد مطهری محسوب می شود.

۸. شما مجتهد هستید و برداشت کاملا متفاوتی با سایر فقها درباره حجاب دارید؟ لطفا درباره نظر

خودتان توضیح دهید که وقتی می گوئید حجاب نه مستحب است و نه واجب یعنی چه؟

در مورد عدم وجوب پوشانیدن موی سر بانوان نظر متفاوتی از سوی دو تن از شاگردان مرحوم استاد منتظری در سالهای اخیر منتشر شده است. نظر استاد در این مورد نظر مشهور بود: وجوب پوشش مو، سر و گردن بانوان در برابر نامحرم مطلقا (مشابه نظر مطهری). نظر متفاوت نخست متعلق به مرحوم احمد قابل (۱۳۹۱-۱۳۳۶) بود. وی قائل به استحباب وعدم وجوب پوشش سر و گردن بانوان بود مطلقا. دومین نظر متعلق به این جانب به شرح زیر است:

الف. پوشش مو و سر و گردن زن بالذات و به حکم اولی واجب نیست، بلکه به شرائط و عرف زمان و مکان

بستگی دارد.

ب. در زمانه و منطقه ای که پوشانیدن مو و سر و گردن در میان بانوان متعارف است، به نحوی که نپوشانیدن آنها در عرف محلی دلالت بر عدم نجابت و نقض عفاف داشته باشد، پوشانیدن این مواضع به حکم ثانوی واجب می شود.

پ. در زمان نماز و إحرام حج می باید مواضع یادشده پوشیده باشد.

ت. پوشش مو و سر و گردن بانوان در برابر مردان نامحرم در شرائطی که در عرف محلی دلالتی بر عدم نجابت و نقض عفاف نداشته باشد واجب نیست. تشخیص شرائط و عرف به عهده‌ی خود مکلف است.

ث. مناسب است بانوان مؤمنه احتیاطا از حداقل عرف رایج محلی پوشش بیشتری داشته باشند.

پوشش بدن از احکام فرعی فقهی است. سبک پوشش متناسب با عرف محلی و دیگر شرایط فرهنگی اجتماعی است. از این سبکهای متنوع هر کدام به موازین دائمی کتاب و سنت - رعایت نجابت و پاکدامنی و عفاف - نزدیک تر باشد اصیل تر است، والا سبکهای مختلف پوشش همانند زبانها و گویشها هیچ کدام بر دیگری رجحان ندارد.

بر اساس تعالیم قرآن زنان مؤمنه علاوه بر تکلیف عمومی پاکدامنی و دور نگاه داشتن نگاه از آلودگی، شرعا موظفند بدنشان را که زینت طبیعی است در برابر افراد نامحرم حفظ کنند و اجازه ندهند در هیچ شرائطی در معرض نگاه آنها قرار گیرد. بویژه موظفند گریبان و سینه خود را با پوشاک مناسب از دیده ها پنهان نمایند. از دو واژه‌ی جلباب و خمار در آیات پوشش بانوان در قرآن (احزاب ۵۹ و نور ۳۱) خصوصا جلباب بیش از مطلق پوشاک استفاده نمی شود، و به تنهائی ظهوری در وجوب سرانداز و روسری ندارند. مفاد این دو آیه جمع و جور کردن جامه و پوشانیدن سینه و گریبان است. (نکته کلیدی)

اولا موی سر همانند صورت وی زینت ظاهر است نه زینت باطن، ثانيا در قرآن نصی دال بر وجوب پوشش صورت و موی زنان وجود ندارد، ثالثا دلیل معتبری از پیامبر (ص) هم درباره لزوم پوشش زنان خارج از نماز در دست نیست، رابعا اینکه زنان باید موی سر خود را بپوشانند فهم صحابه پیامبر (ص) از قبیل ابن عباس و ابن مسعود از کتاب و سنت است نه لزوما نصی از کتاب و سنت، خامسا در روایات شیعی هم اقدام روایات معتبر درباره حجاب به نیمه قرن دوم می رسد. سادسا هیچ دلیل معتبری مبنی بر گناه بودن و مجازات اخروی زنانی که روسری نپوشند در دست نیست، سابعا می توان زن مسلمان متدین و متشرع نجیب و عفیفی بود بی آن که لازم باشد روسری بر سر داشت. ثامنا پوشش زنان با رعایت موازین شرعی عفاف و نجابت متناسب با عرف زمانی مکانی است. قرنهای بسیاری از فقها صورت زنان را هم در زمره زینت باطن می دانستند و فتوا به وجوب پوشاندن آن داده بودند. فتوای بسیاری از فقها حتی در زمان حاضر هم همین است (احتیاط واجب) و این امر در فقهای اهل سنت شدیدتر است. واضح است که اکنون در شهرهای بزرگ ایران بلکه در اکثر شهرهای ایران هیچ تلازم عرفی بین

نیوشانیدن مو و سر و گردن بانوان و عدم عفاف و نجابت نیست. اخیراً هم به صراحت ابراز کردم: پوشش موی سر بانوان نه واجب است نه مستحب.

۹. آیا فکر می‌کنید این کتاب در قرن پانزدهم هم خوانده شود؟

کتاب «مسئله حجاب» استاد مطهری از کتابهای مهم و تاثیرگذار قرن چهاردهم بوده است، اما از دو حیث فکر نمی‌کنم در قرن پانزدهم خوانده شود مگر برای اطلاع از تاریخ تفکر اسلامی در این زمینه. اما حیث اول اگر نویسنده خود زنده بود به احتمال زیاد در ادامه اجتهاداتش به نتیجه ای شبیه نظر من می‌رسید، عدم وجوب پوشش موی سر. حیث دوم با تحولات اجتماعی فرهنگی در ایران و انتشار آراء جدیدتر مبنی بر عدم وجوب پوشش موی سر و حتی عدم استحباب آن کتاب «مسئله حجاب» جایگاه سابق را نخواهد داشت.



kadivar.com

<https://kadivar.com/20812/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.

